

"زندگی به عنوان نامزد امپراطور"



مترجم :

Aralia

کاری از تیم :

Flaxen Guys

ویراستار :

۴_۵_۵12

کلینر :

Lilac

تایپیست :

Castlan_A



@Flaxen_Guys



@Flaxen_Guys

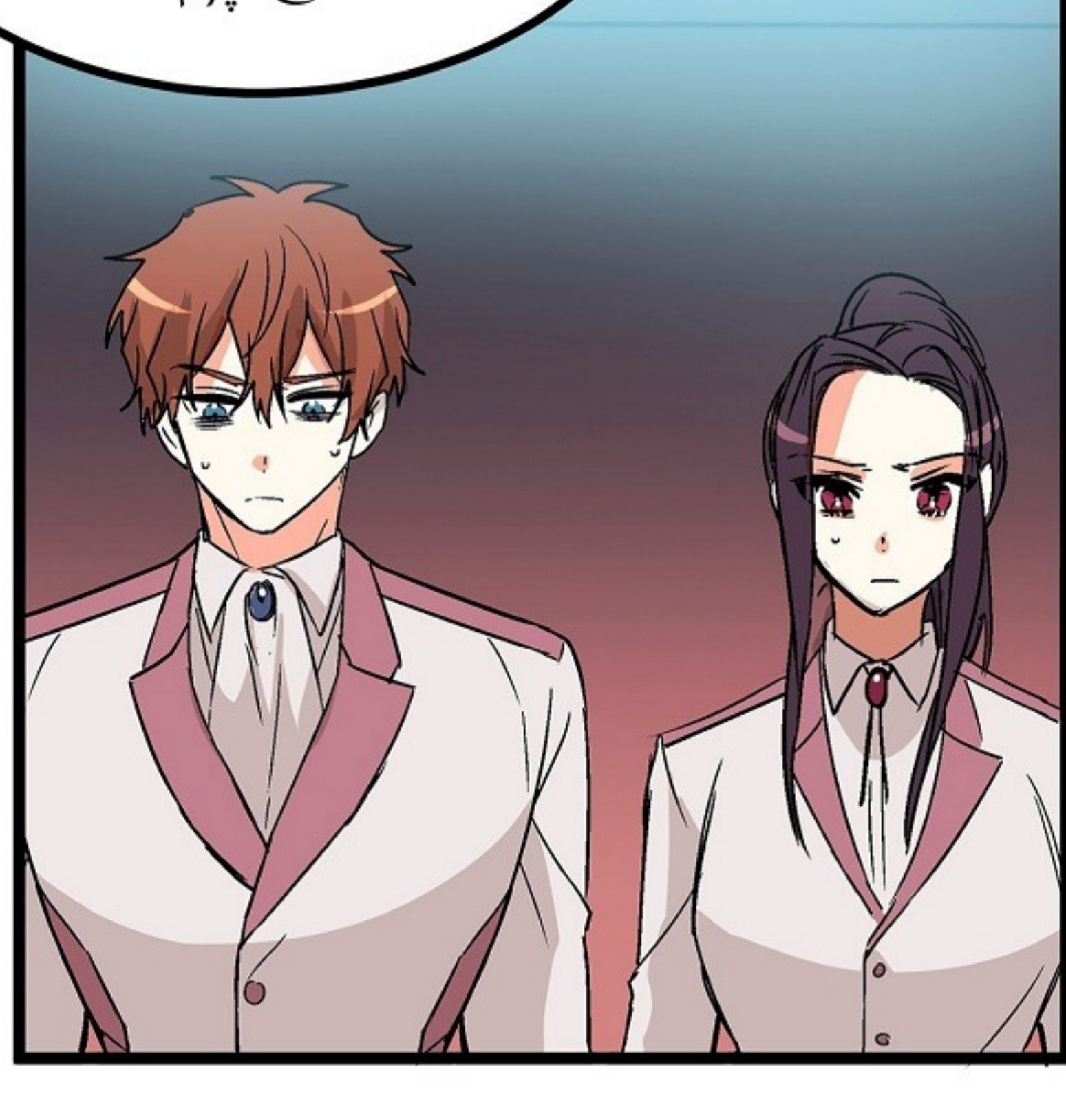


@FlaxenGuys

شما مامورای
بایگانی اید...



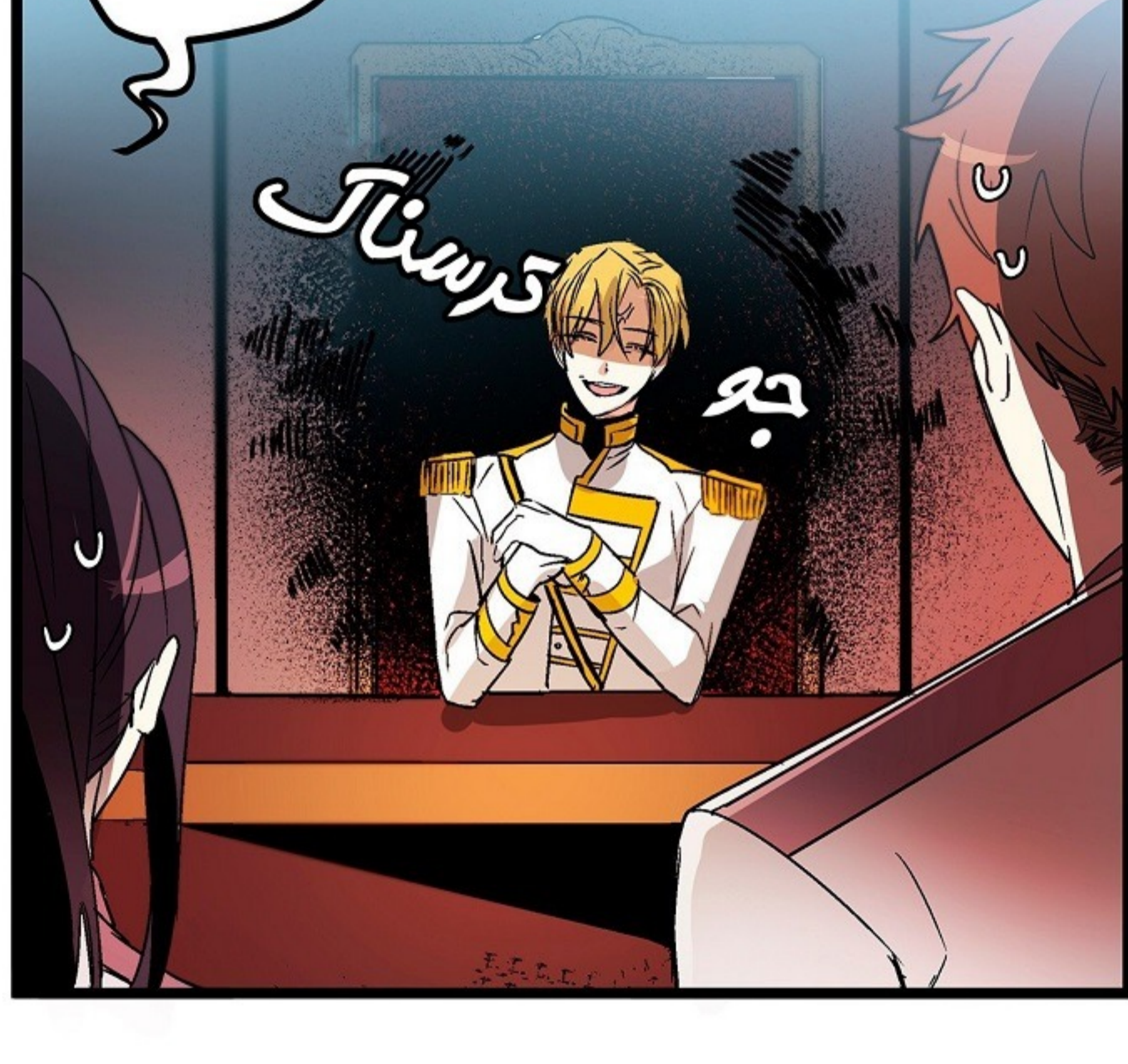
به نظر میاد
شما دو تا به ادل
نزدیکید، پس بهتون اعتماد
می‌کنم و ادلو به شما
می‌سپرم.



حسبم...

حسبم.

ترسناک
چه



حسبم...
ترسناک



مترجم: شل کنید بابا

فکر کردم دیگه مردم...
خیلی ترسناک بود.

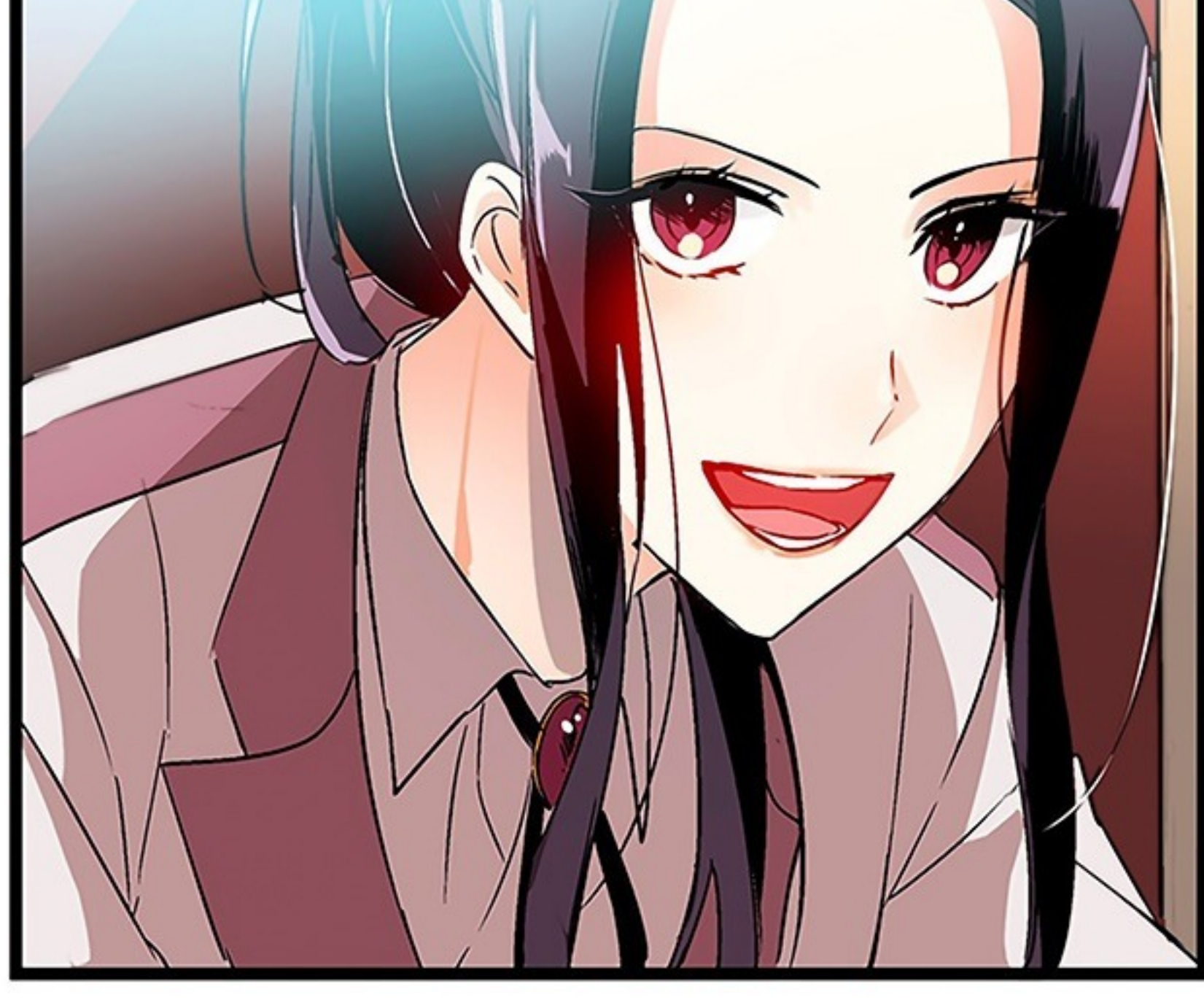
لرزیدن

هنوزم موهای
تنم سیفه.



به هر حال،
چیزی که مشخصه
اینه که...

فکر می‌کنم
خوب از پستش
بر اومدم!



황제의 악녀로 살아가는 것은

طراح: Chimpa
نویسنده: Saebyeon Yuseong
مخصول: Orange Track

(31)



بانو ادل رفته دیدن
آقای کوبالت، این دفعه
قراره چی بشه دیده؟

این که زیر فشار کم
خم نمی... ده برابر
سخت‌تره!



اونجا کجان؟



پرا اصلاً بانو
ادل اومده دیدن معاون
وزیر کوبالت؟

چی؟

اون...

من...

من نمی‌دونم.

معاون وزیر ادل رو
فرستاده بود بایگانی، یعنی
بالافره می‌خواد انتقام
بگیره؟

معاون وزیر

افراج می‌شه؟

تکلیف بعد
از اومدن بانو ادل
چی؟

به خاطر جادوی

حفاظتی نمی‌تونیم بشنویم

دارن رایج به چی حرف

می‌زنن.

اولش بیخ بیخ

می‌کردن بعدش ساکت شدن.

دوباره بیخ بیخ کردن و حلام

دوباره ساکت شدن.

تالیان

اوه، خدایا...

بزرگ کردن

پرت و پرت نگو و
دیگه بزرگد
اینجا!

حل کردن

فردا بازم میام!

لطفا بیشتر توضیح
بره!

مکالمه
چونین

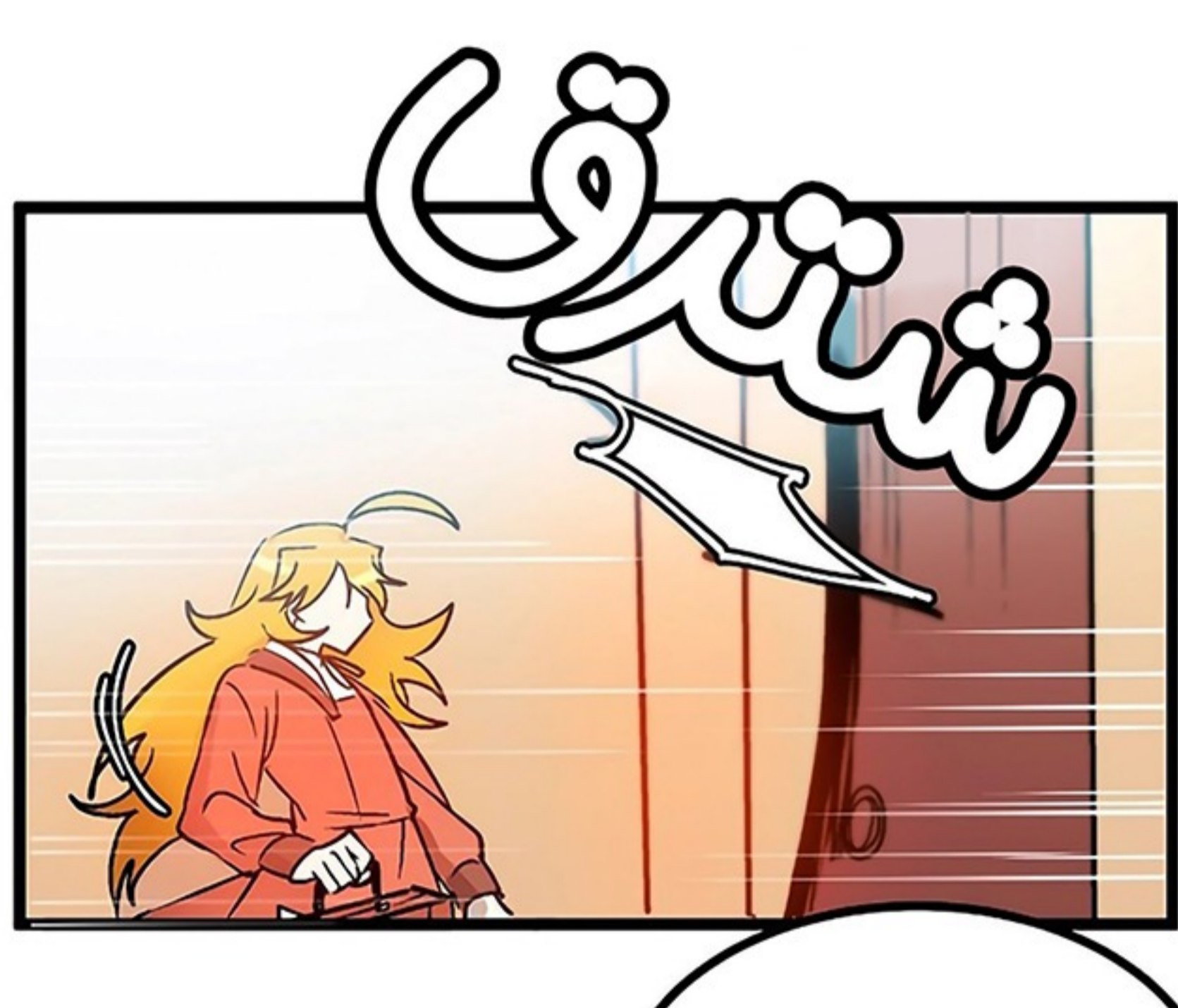
بیشتر توضیح بده؟ هرکاری از
دستم بر میومد کردم! آه خدا...
فحوت برو تو بایگانی بگرد، داری
اذیتم می‌کنی!



می‌شوام این
موضوعو به پارلمان
بگم!

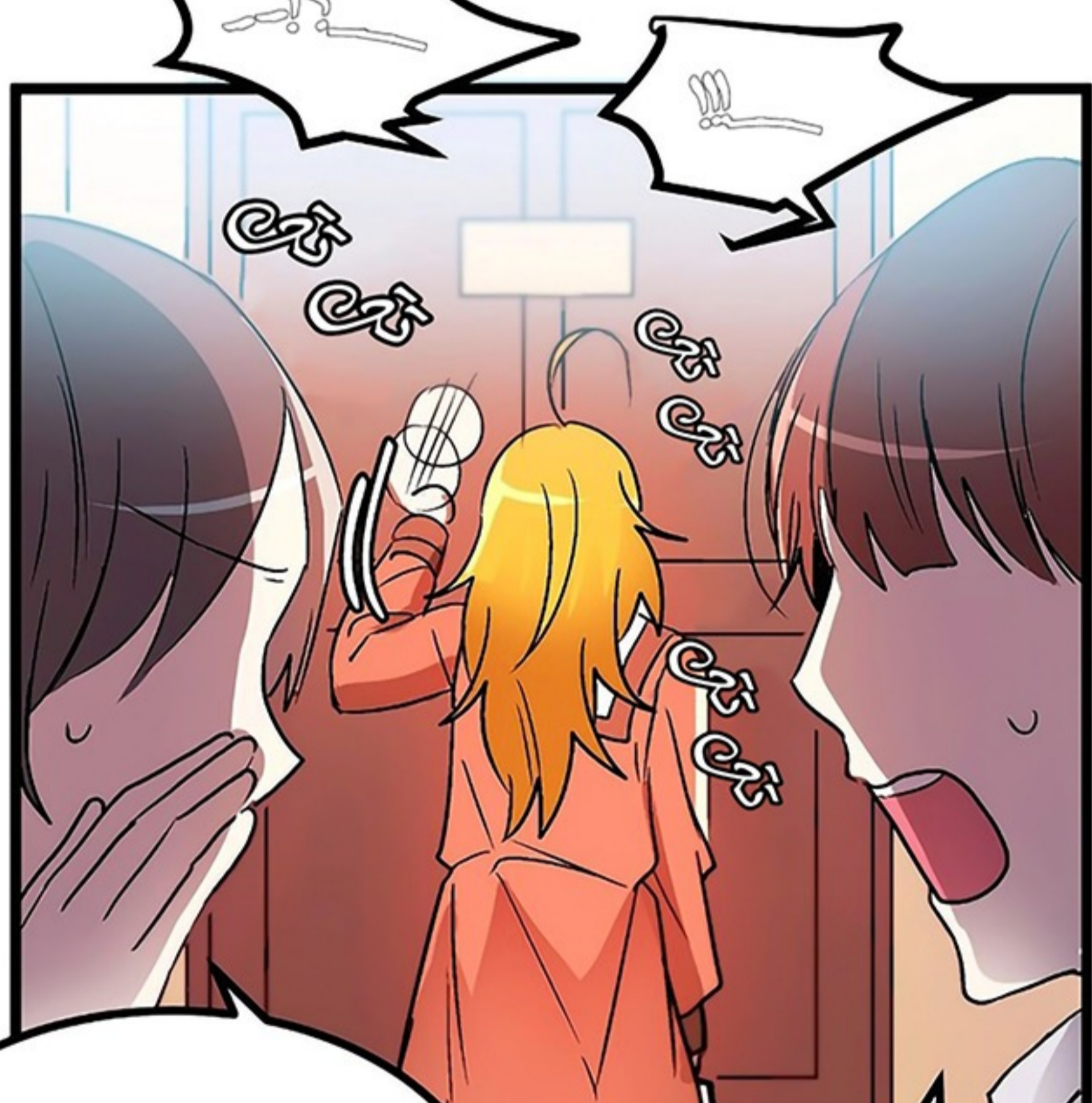
صحت دارم!

چرت نگو و برو!



تستیف

فردا بازه میام!



چی؟

چی؟

چی؟

چی؟

چی؟

چی؟

فکر کنم آره.

فکر می‌کنی
معاون وزیر بهش گفت
پره کم شده؟



... بانو ادل
حالتون خوبه؟

آره من خوبم،
می‌دونی معاون وزیر
کجا نهار می‌خوره؟



بعد از اون همه بد
رفتاری داره می‌شنده...

معمولا تو غذایی
کارکنان_ طبقه دوم وزارت
امور داخلی_ غذا می‌خوره.

راجب چی داشت
باهاش حرف می‌زد؟

می دونستم
آسون نیست...



از بین این همه آدم،
این معاون وزیر بود که
این قانون رو تصویب
کرده بود.

ولی هنوزم زوده
نسلیم بشم.



فردا هم گیرش
میارم! اینقدر تلاش می کنم
تا موفق بشم!



پس اینجایی.

وقت کاره.

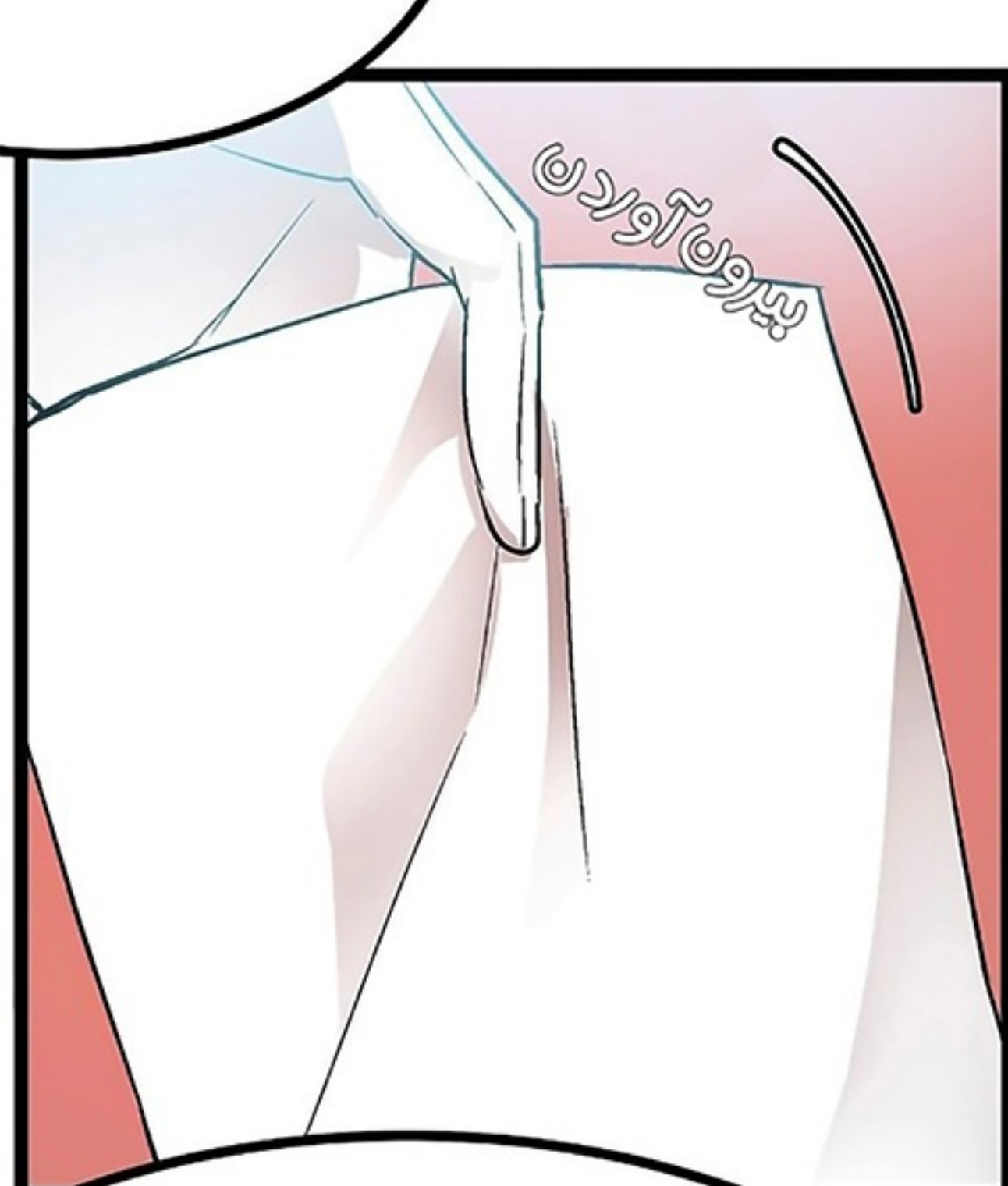
مترجم: الهی زیبایی وارد می شود.



کار...؟



وظیفه ت به
عنوان نامزد امپراطور.



از فردا بعد از
ظهر تا یه مدتی سرت شلوغ
می شه. وقت زیادی نداری که
زودتر از این یادشون بگیری. بنابراین
توقع ندارم عالی باشی، ولی فکر
می کنم برات کافیه که لااقل
توش بد نباشی.

مترجم: رویه بری کمرت
می شکنه لایبر؟

آداب غذا خوردن، سلام کردن،
گفتگو، سیاست، تاریخ بانوان
امپراطوری.



ما افراد مشهور
هر وزارتقونه رو انتخاب و
دعوت کردیم. سفت کار کن و
پروژه بازی در نیار. جدول برنامه هام به
دلیل اتفاقات غیرمنتظره
عوض شده.

باید همه رو خوب
یادگیری حتی اگه
خسته بشی.

چشم قربان.



پس کی می تونم تو
جشنای قصر امپراطوری
شرکت کنم؟



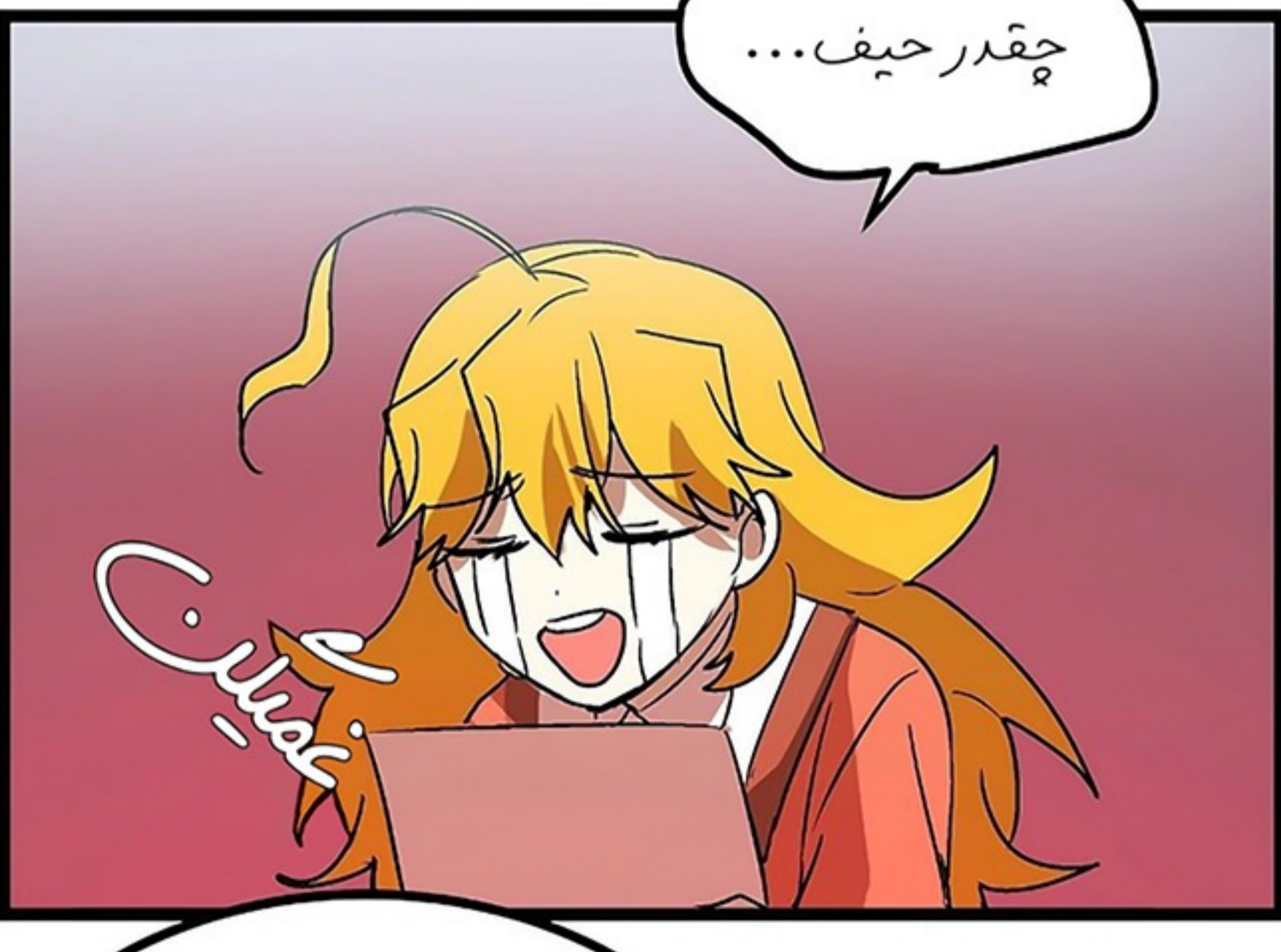
جشنی در
کار نیست.



چرا؟

سر همه
گرم کاره.

چقدر حیف...



ولی شب سال
نو یه جشن داریم.

جشن سال نو؟



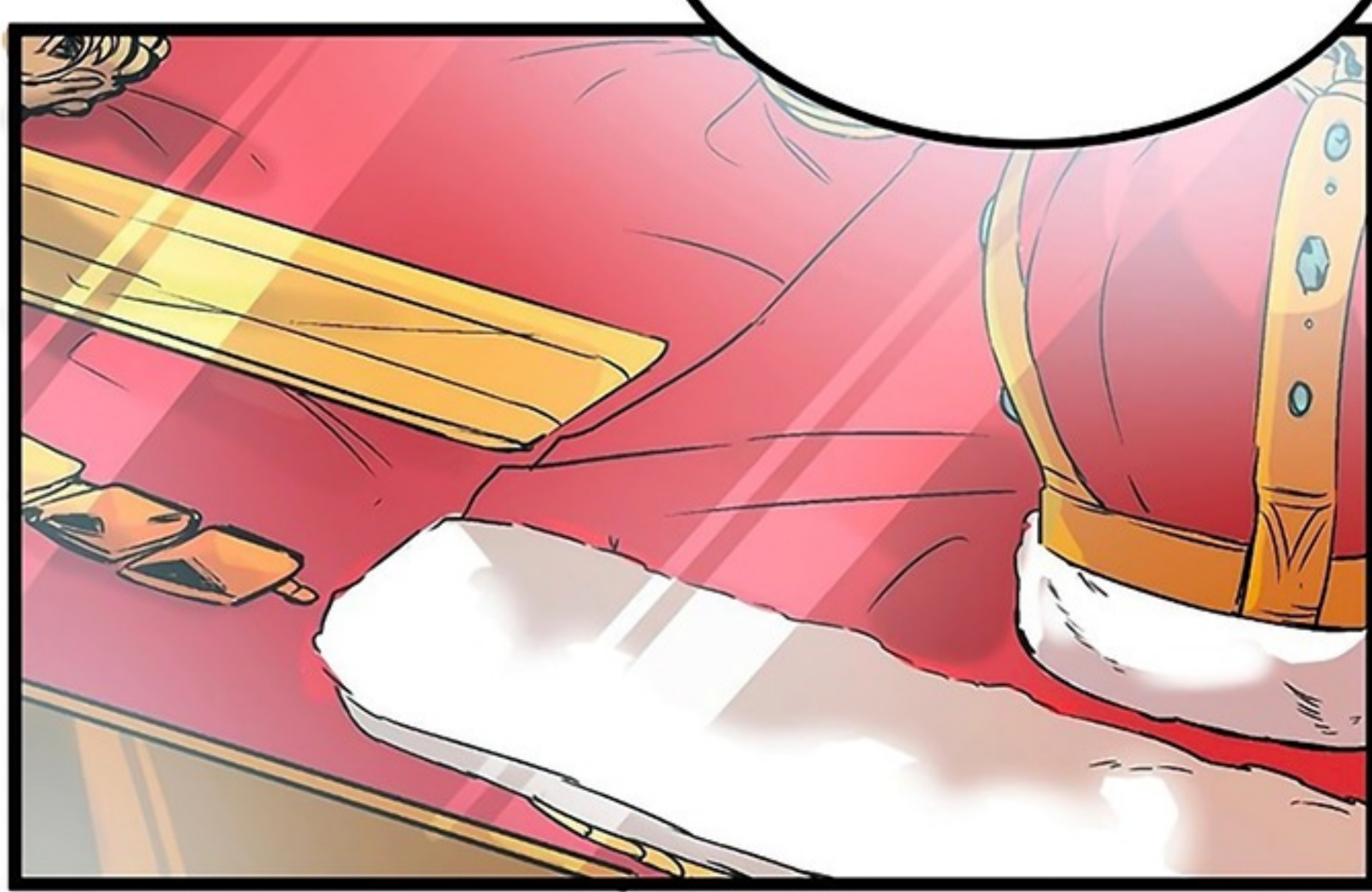
باعث افتخاره که
توش شرکت کنم...!

آره! برای همین
ازت می‌خوام خوب یاد بگیری
و تمام تلاشت رو بکنی و تو
جشن سال نو ارائه‌ش
بدی.

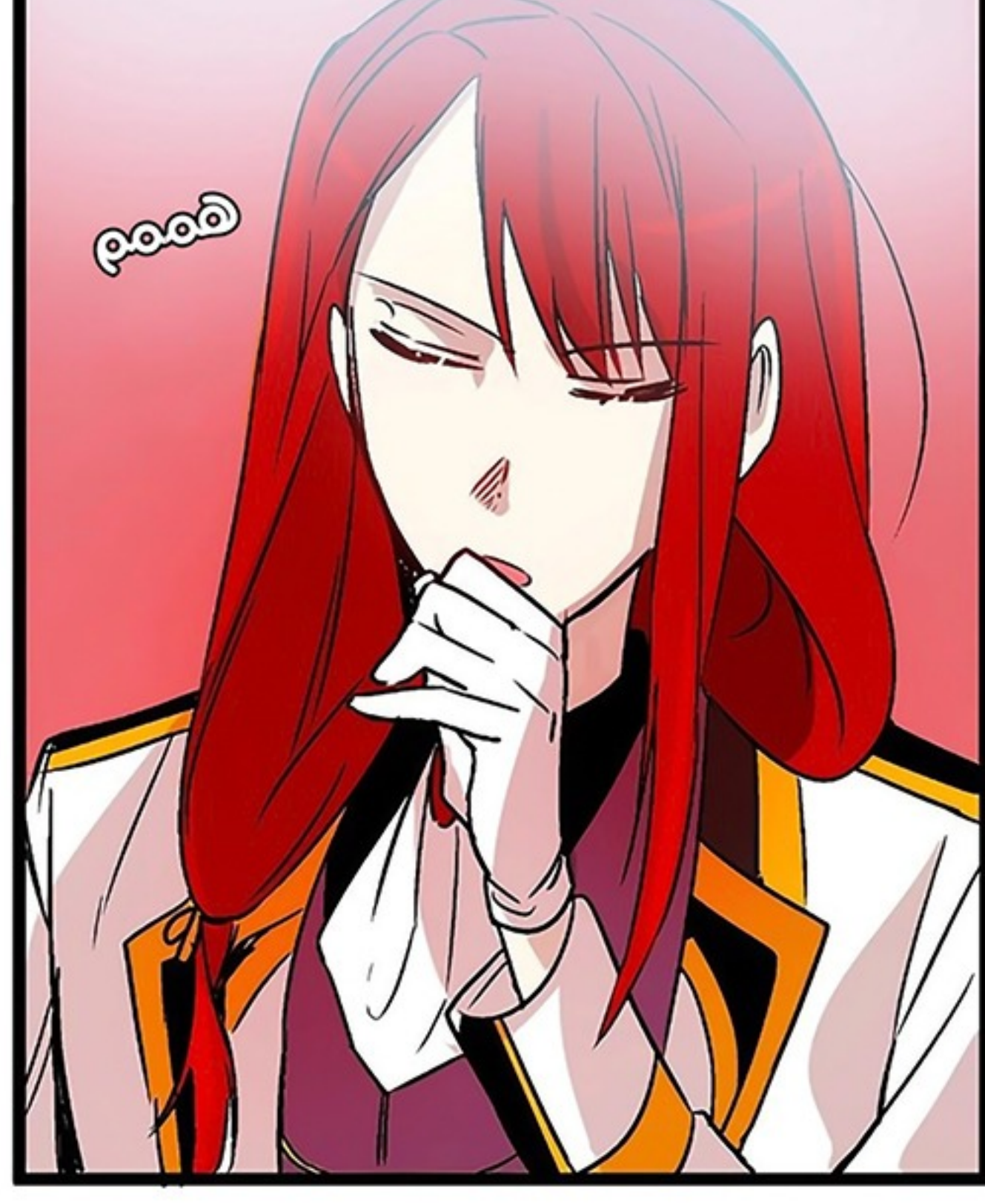


تاج، سالن و لباس
رسمیتو دیدی؟ همه‌ی
اینا برای اون روزه.

بعد، اون روز
باید چی کار کنم؟



خب این مسئله
هنوزم زیاد شفاف نیست، چون
طی این هزار سال اولین باره این
مسئله پیش میاد باید بیشتر
بهش فکر کنم.



اولاً باید از جشن
آفر سال تا جشن سال نو
توی قصر امپراطوری بمونی.
نوئل آسبن مراقبه که
کسی نیاد اونجا.

اون سه هفته
تعطیلات، طولانی‌ترین تعطیلات
ساله. اون موقع اعلیضرت
کجا می‌ره؟



*pentworth

تعطیلاتش رو توی
پنتورث می‌گذرونه.

پنتورث؟

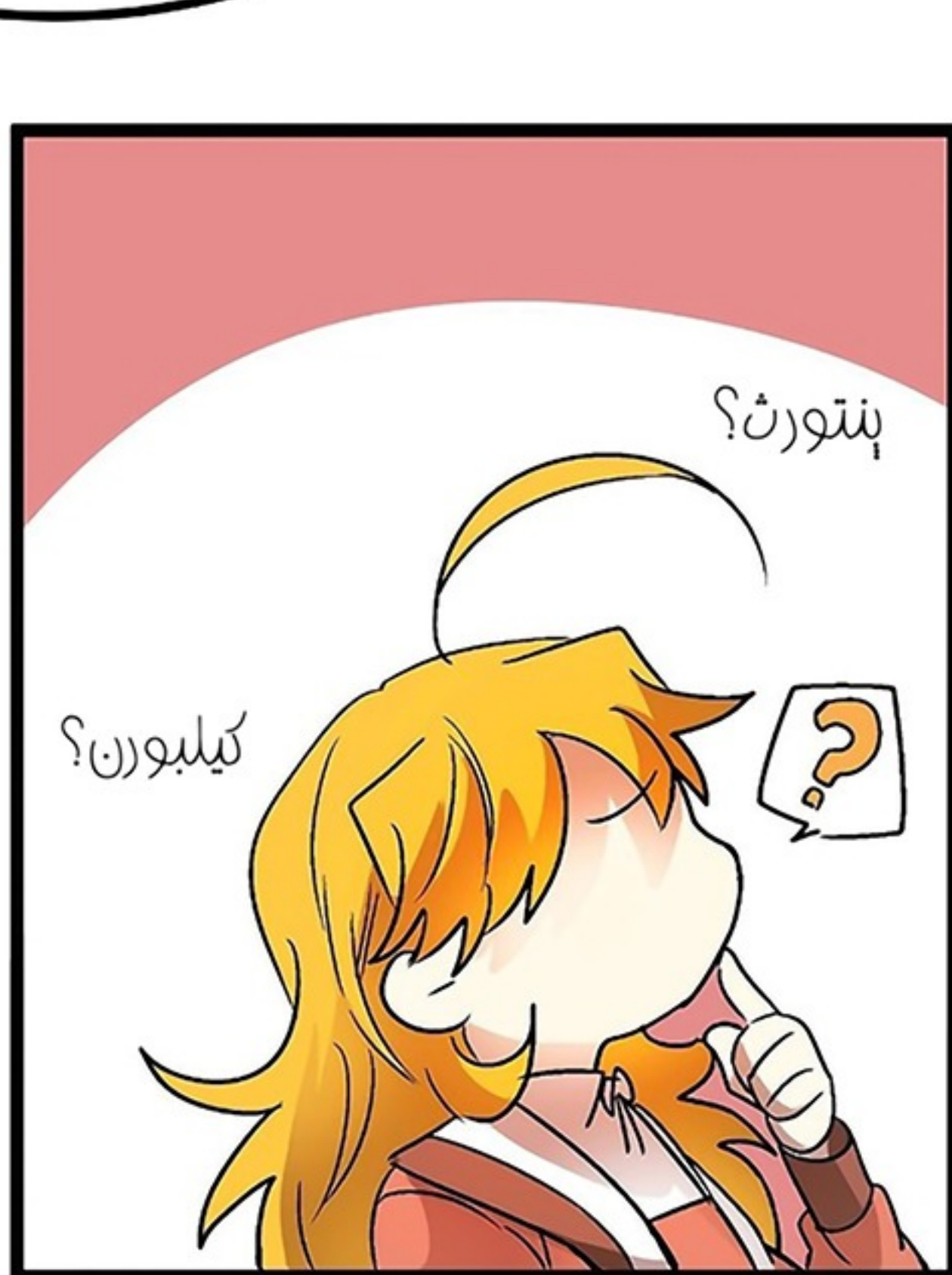
پنتورث یکی
از عمارتای اعلیضرته.
ایشون همیشه تعطیلات
می‌ره اونجا.

شما هم با ایشون
می‌رین؟

نه، اعلیضرت
همیشه تنها می‌ره.

تنها کسی که
می‌تونه وارد پنتورث
بشه جادوگر کیلبورنه.

*Kilburn



حتماً باید این کارو بکنیم؟



همین الانشم واقعاً دیر شده، باید قبل از اعلام نامزدی انباشش می‌دادیم، ولی به خاطر سلامت اساتید به تأخیر افتاد.



تازه یه سمیکم سر و کله‌ش پیدا شد و همه چی داره گند می‌خوره، چون یه نفر بدون هیچ خبر قبلی پا شد نامزدیشو اعلام کرد. به علاوه، اون نامزد قلاپوتونه و نباید بدون برنامه رونمایی می‌شد.

ولی خدا رو شکر بانو ادل باهوش‌تر از اونیه که فکر می‌کردم. باید زودتر تمومش کنه.



راستی برنامه‌تون چیه؟



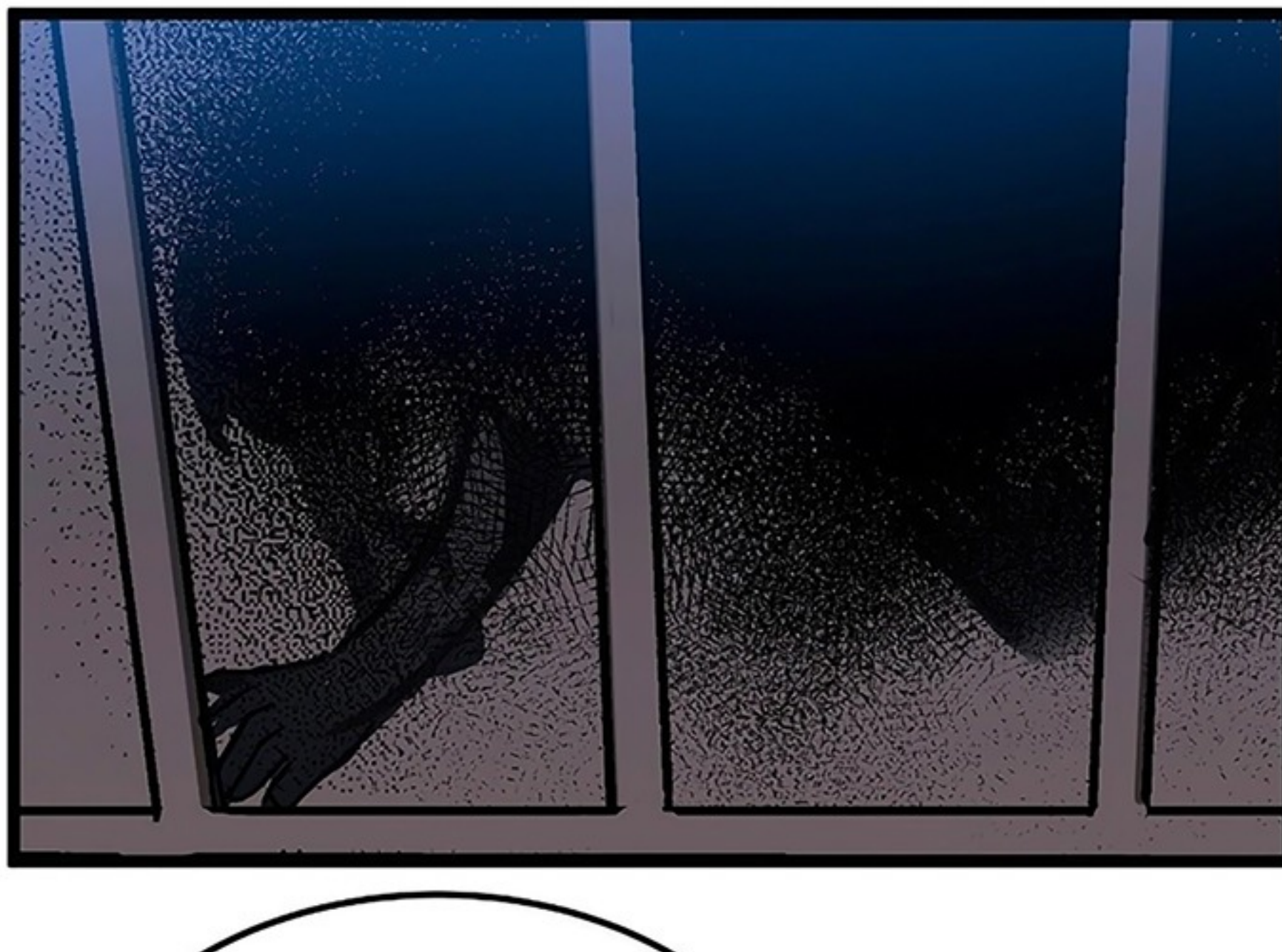
زنده نگهش دارید تا بیشتر تحقیق کنیم.

جادوی درک انقدر قوی
نبوده که اونو اضرار کنه، عتماً
یکی کمکش کرده،



و فودشتم نیمه
هیولا شده.

ببریدش
توی "برج" که روش
تفقیق کنیم.



هییی...



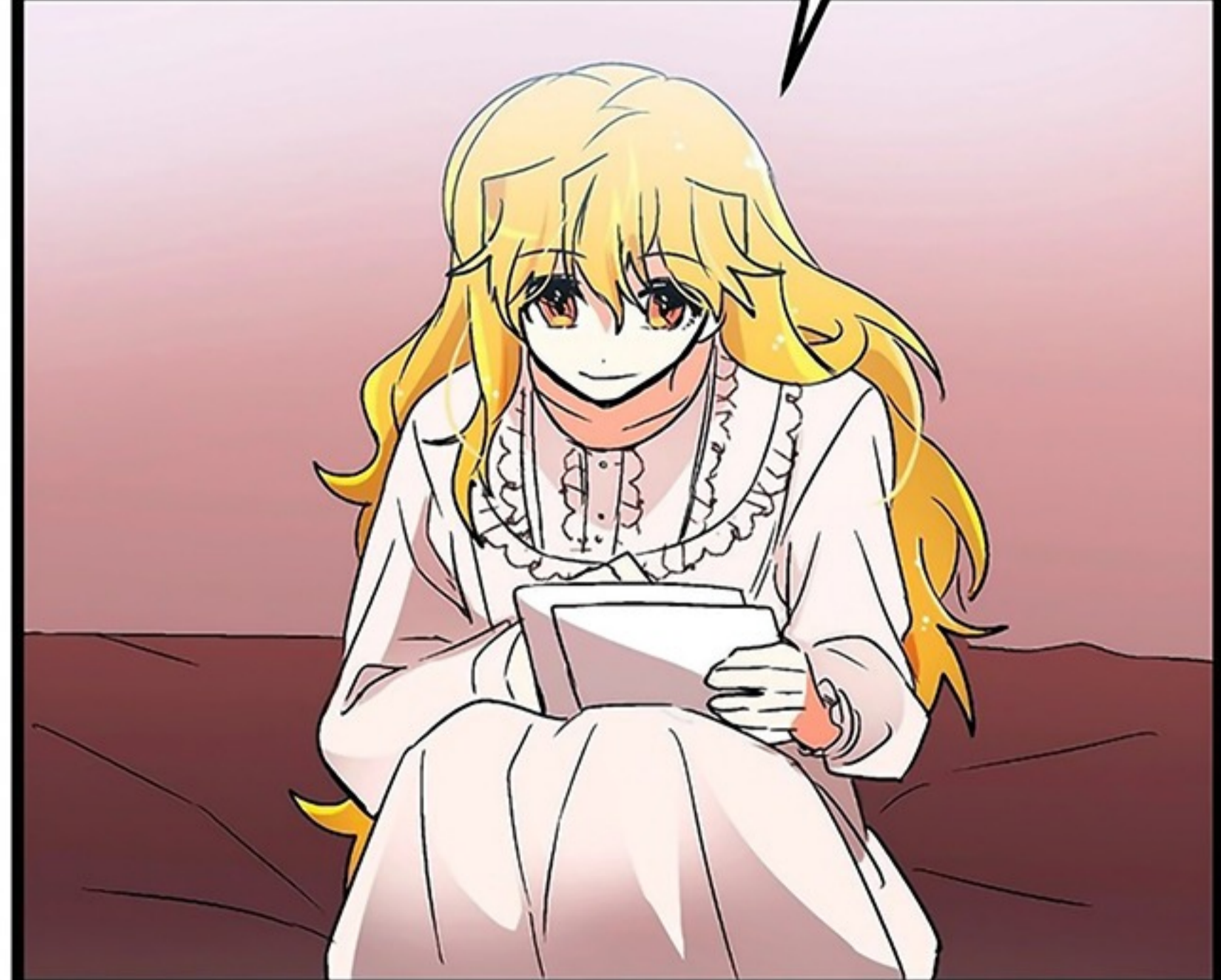
با این که خوبه چیزای
جدید یاد بگیریم، ولی باز
خسته کننده‌س.



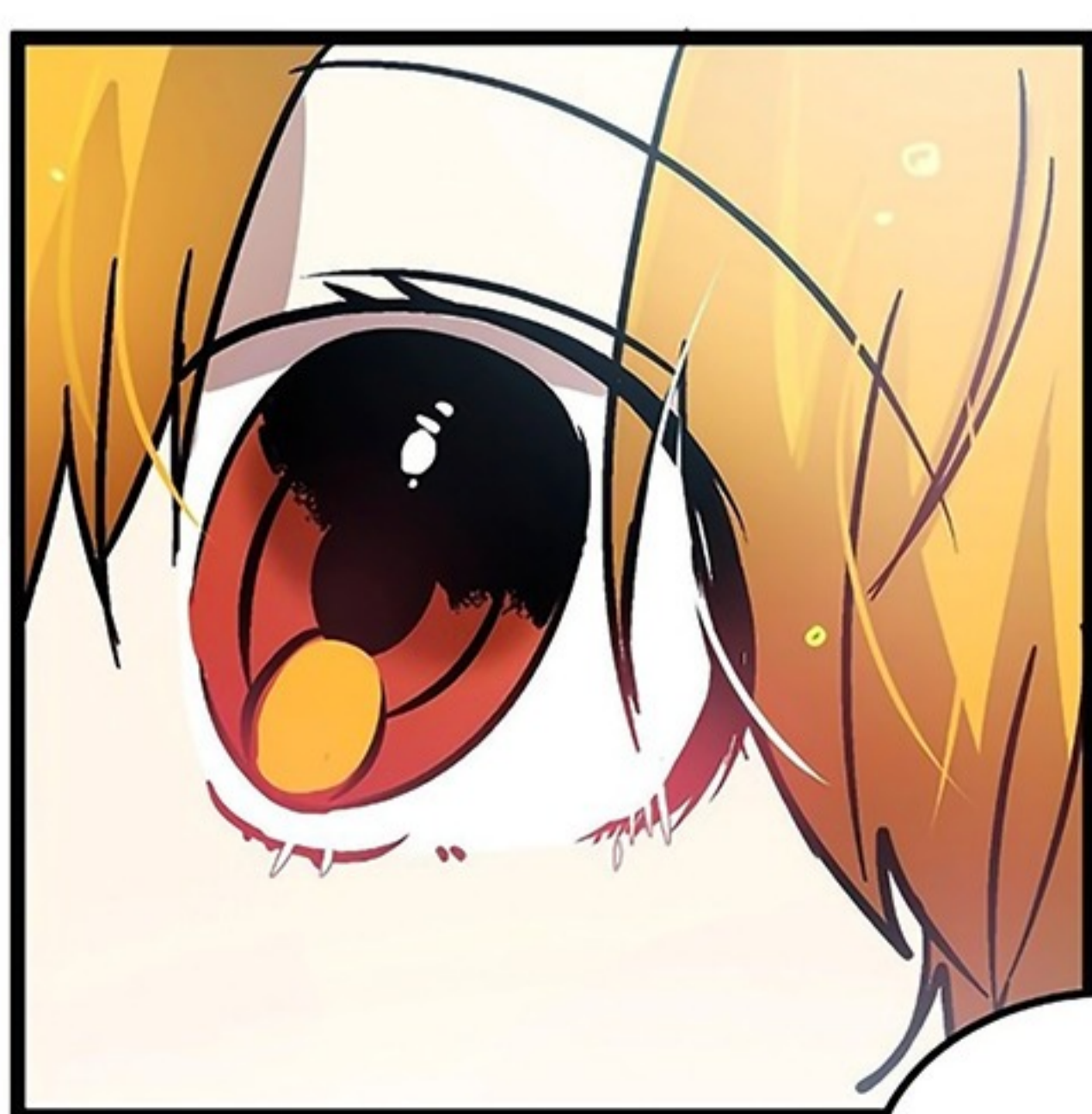
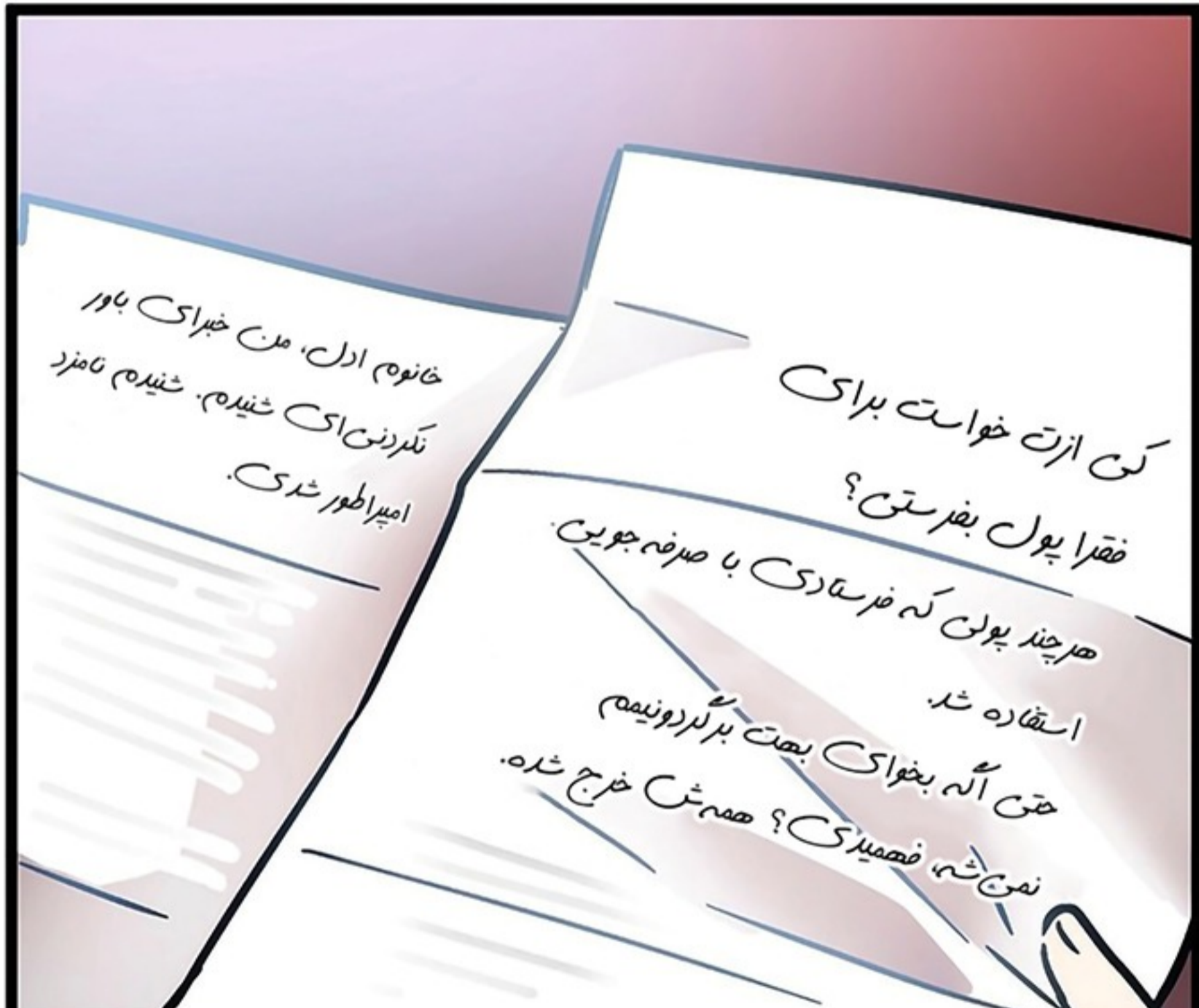
می خوابم
بخوابم ولی...



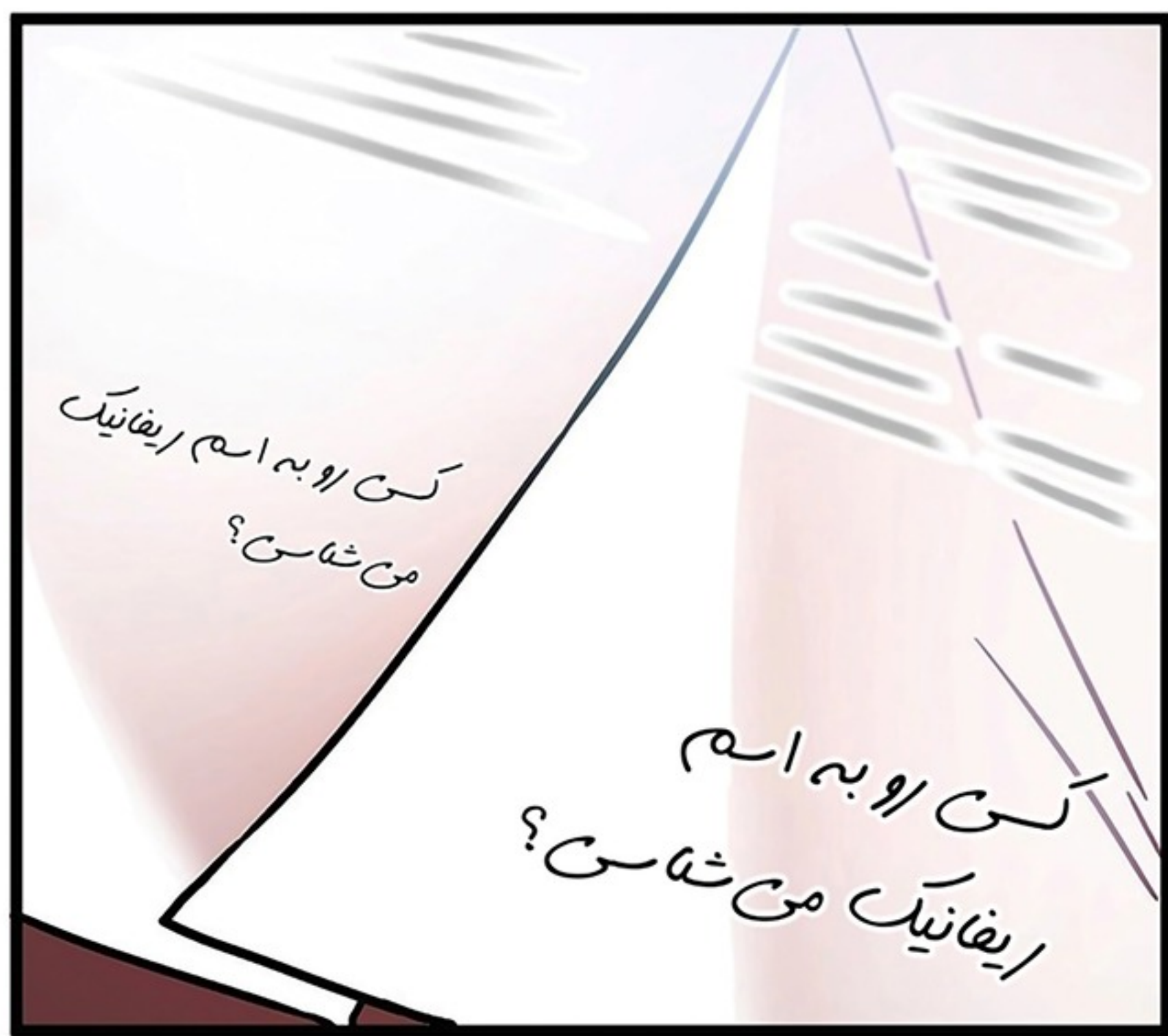
باید نامه‌ی
سرپرست و پروفیسور
بنجامینو بنوم.



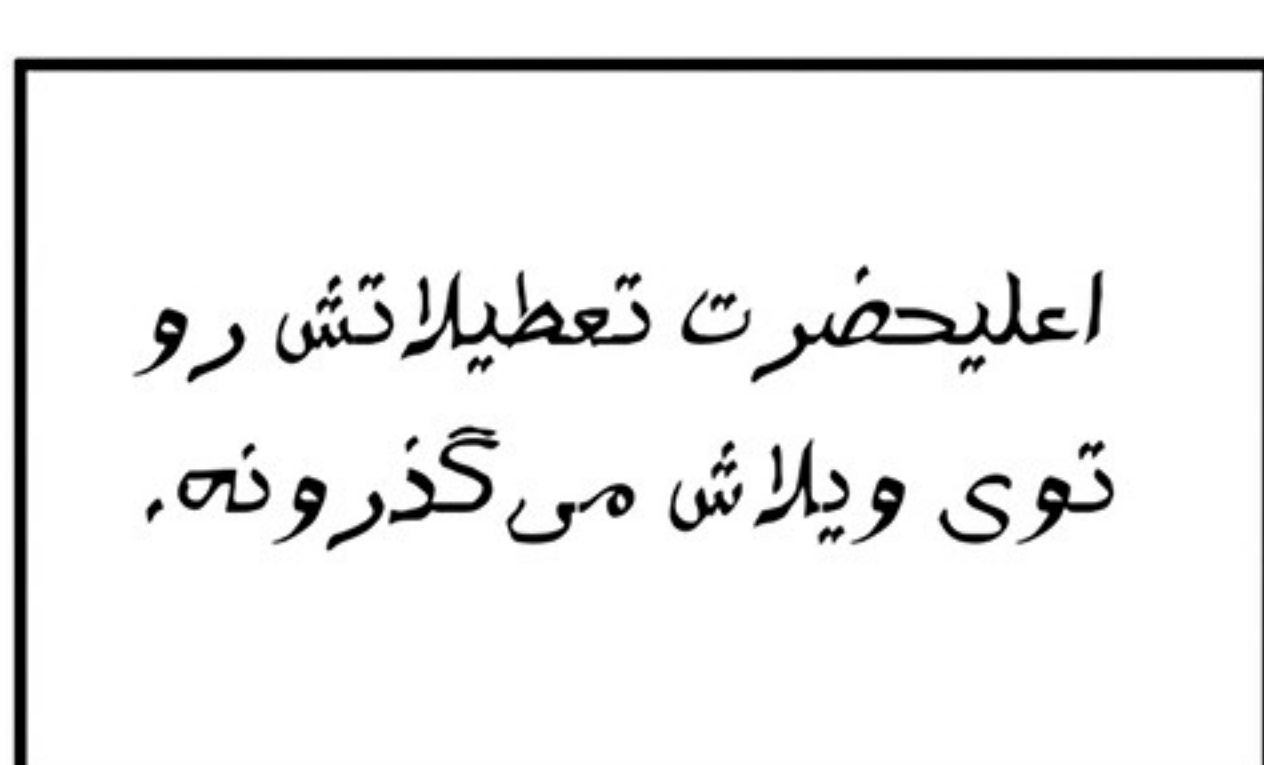
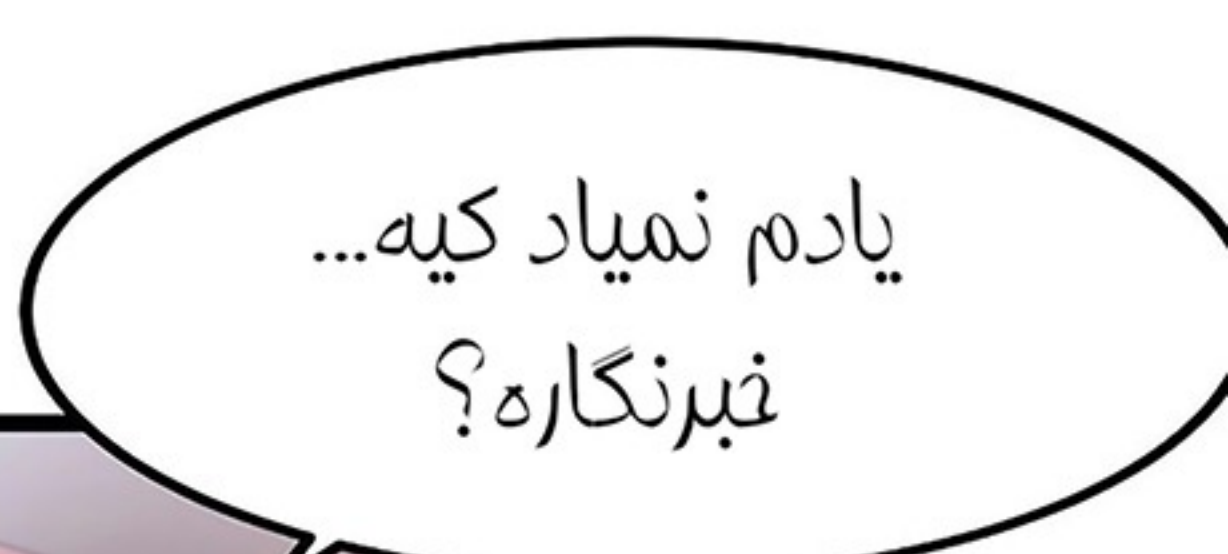
عالشون خوبه؟



چی؟



*Rifanique





نو این مدت باید
چیکار کنم؟

همه وقتشونو
با خانواده شون
می گذرونن.



به هر حال، کسی رو
ندارم که برم پیشش.

معمولاً اضافه کار
می موندم، ولی امسال
اولین باره می خوام
استراحت کنم.



اشکال نداره، می رم به
عالمه کتاب از کتابخونه
قصر امانت می گیرم.

سه هفته وقت
دارم، پس می تونم
همه شونو بخونم.

